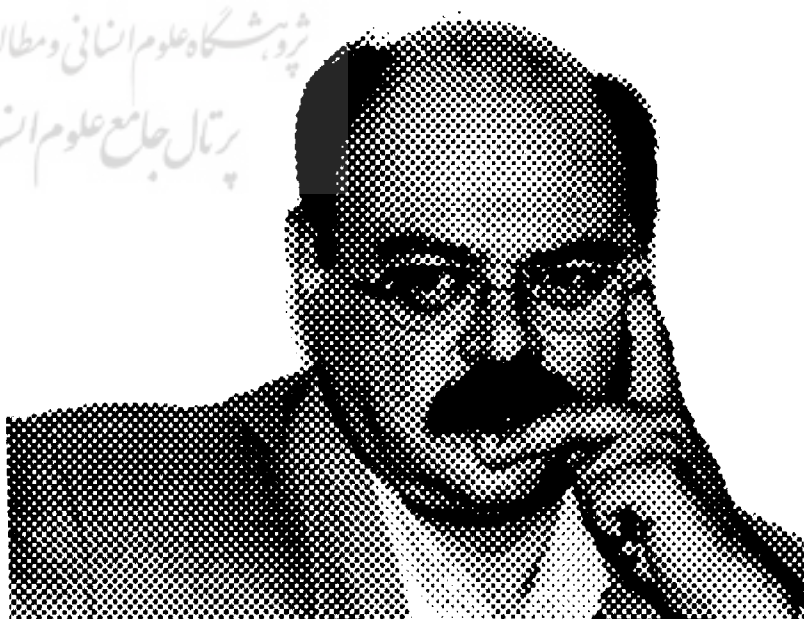


# گفتگو با دکتر کوروش صفوی استاد دانشگاه علامه طباطبایی

۱. علم زبان‌شناسی کی و چگونه تأسیس شد؟  
اگر تفکر درباره زبان و مطالعه آن را «زبان‌شناسی» بنامیم، باید بگوییم که قدمتش از یک سو به کتاب اشتادیهایی دست‌نویس نامدار هند، پانی‌نی و قرن ۵ ق. م، و از سوی دیگر به رساله‌های کراتیلوس، سوفیست و لاکس افلاطون و قرن ۴ ق. م. بازمی‌گردد. ولی شما به «علم زبان‌شناسی» اشاره کردید، پس باید به اوایل قرن بیستم و انتشار کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی در سال ۱۹۱۶ برگردیم. به اعتقاد تمامی زبان‌شناسان، این کتاب و آرای مندرج در آن بود که دانش زبان‌شناسی را معرفی کرد. همان‌طور که می‌دانید، فردینان دو سوسور در سه دوره تدریس زبان‌شناسی عمومی در دانشگاه ژنو، مطالبی را در کلاس‌های درس خود مطرح کرد که نادیده گرفتن‌شان نناممکن بود. او در سال ۱۹۱۳ در سن ۵۶ سالگی درگذشت. دو تن از همکاران او، شارل بالی و آلبر سه‌شه‌یه، با گردآوردن جزوات درسی دانشجویان این سه دوره به اقدام عجیبی دست زدند که تا آن وقت سابقه نداشت. آن دو با جمع‌آوری مطالب این جزوه‌ها، کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی را پس‌دید آوردند و منتشر ساختند. آرای سوسور به شکلی که در این کتاب آمده بود، دانش زبان‌شناسی را پدید آورد.

۲. شما که مترجم کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی دوسوسور هستید آیا به واقع او را مؤسس علم زبان‌شناسی می‌دانید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است، توضیح دهید که او چگونه زبان‌شناسی را به صورت یک علم درآورده است؟

اجازه دهید بحث را با سخنی از نیوتن آغاز کنم که می‌گوید: «اگر من فواصل دورتر را دیدم، بدان سبب بود که بر شانه‌های بلندی قرار داشتم». این حرف بسیار مهم است و همواره صادق. آرای سوسور به تأسیس دانش زبان‌شناسی منتهی شد. در تمامی کتاب‌های این رشته نیز او را آغازگر و مؤسس این دانش معرفی می‌کنند، ولی نه این که او یکه و تنها چنین کرده باشد. اگر غول‌های بلند بالایی چون پانی‌نی، افلاطون، ارسطو، رواقیون، اسکندرانیان، وارون، کریم، جونز، لایبنتس، هومبالت، بروگمان و دیگران نبودند و سوسور بر دوش آنان جای نمی‌گرفت، مسلماً «فواصل دورتر» دیده نمی‌شد.



البته در این میان نباید تأثیر فیلسوف فرانسوی همعصر او، اپولیت تن، را فراموش کرد. به اعتقاد من، سوسور اساسی‌ترین مسئله «ساخت» زبان یعنی عملکرد محورهای همنشینی و متداعی را تحت تأثیر آرای اپولیت تن دریافته است؛ یعنی این نکته که واحدهای زبان «انتخاب» می‌شوند و در «ترکیب» با یکدیگر قرار می‌گیرند.

سوسور برای نخستین بار روند ارائه نظریه علمی را در مطالعه زبان به صورت کشف مسئله، جمع‌آوری داده‌ها، طرح فرضیه، چگونگی محک یک فرضیه و ارائه یک نظریه مطرح ساخت. البته باید پذیرفت که وی آرای هگل را نیز درباره دیالکتیک مدنظر داشته است. او با تکیه بر دیالکتیک هگل کوشید تا اجزاء، روابط و چگونگی نظام زبان را بشناسد. ولی این نکته که او چگونه زبان‌شناسی را به صورت یک علم درآورده است، مسئله‌ای است که باید دقیق‌تر به آن پردازیم.

سوسور معتقد است که «زبان» را باید فی‌نفسه برای خود مطالعه کرد و به توصیف پدیده‌های آن پرداخت. منظور او از «توصیف»، معرفی یک ویژگی بدون هر پیش‌داوری و تجویز است. البته باید گفت که حدود یک قرن پیش از سوسور، هومبالت نیز به همین نکته در مطالعه زبان اشاره می‌کند، ولی به درستی معلوم نیست تا چه اندازه سوسور تحت تأثیر آرای هومبالت بوده است. سوسور معتقد است که به هنگام توصیف زبان باید به داده‌ها متکی بود و نتیجه بررسی را به شکلی به دست داد که بتوان صحت و سقم آن را محک زد. او در طرح هر نکته نیز از همین روش سود می‌جوید و دلایلی را برمی‌شمارد که نشان دهد چرا به چنین نتیجه یا نتایجی دست یافته است.

**۳- قبل از تأسیس علم زبان‌شناسی، چه پژوهش‌های مهمی درباره زبان صورت گرفته بود که مقدمه تأسیس علم زبان‌شناسی قرار گرفت؟**

معمولاً در تاریخ زبان‌شناسی، نخستین انقلاب در مطالعه زبان را به سرویلیام جونز نسبت می‌دهند. وی را بنیانگذار زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی می‌دانند. سرویلیام جونز در سال ۱۷۸۶ در خطابه مشهور خود در انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی در کلکته به

اگر غول‌های بلند بالایی چون پانی‌نی، افلاطون، ارسطو، رواقیون، اسکندرانیان، وارون، گریم، جونز، لایبنیتس، هومبالت، بروگمان و دیگران نبودند و سوسور بر دوش آنان جای نمی‌گرفت، مسلماً «فواصل دور‌تر» دیده نمی‌شد

سوسور برای نخستین بار روند ارائه نظریه علمی را در مطالعه زبان به صورت کشف مسئله، جمع‌آوری داده‌ها، طرح فرضیه، چگونگی محک یک فرضیه و ارائه یک نظریه مطرح ساخت

دانش زبان‌شناسی از بطن زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی یا فیلولوژی (= فقه‌اللغه) شکوفا شد

خوشاوندی زبان‌های سنسکریت، لاتین، یونانی و زبان‌های ژرمنی اشاره می‌کند و باعث می‌شود تا روشی تازه در مطالعات زبان‌شناسی پدید آید. در اصل شاید بتوان گفت که دانش زبان‌شناسی از بطن زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی یا فیلولوژی (= فقه‌اللغه) شکوفا شد. در زمان نوجوانی سوسور، گروهی از همین زبان‌شناسان تاریخی - تطبیقی که به طعنه به آنان «نودستوریان» می‌گفتند، مدعی بودند که تحول زبان را می‌توان به کمک قواعدی صریح بدون ساخت. بروگمان، لسکین، استهوف و

## جامع ترین مطالعه در زمینه نحو زبان عربی از سوی ایرانیان و به ویژه به دست سیبویه صورت پذیرفته است

متعددی را از زبان‌های لاتین، یونانی، عبری و نیز زبان‌های جدید اروپایی به دست می‌دادند که به اعتقادشان، مختصات عام زبان به شمار می‌رفت. ولی اگر باز هم به گذشته‌های دورتر برویم، آیا به واقع می‌توان گفت که مطالعات زبان‌شناسان عصر رنسانس، قرون وسطی و حتی قبل از آن، تأثیری در شکل‌گیری زبان‌شناسی جدید نداشته‌اند؟ بنده که چنین تصویری ندارم. به اعتقاد من سنگ بنای اولیه این دانش را باید در میان نخستین اندیشه‌ها درباره زبان جستجو کرد.

## مخارج الحروف ابن سینا روشی را در مطالعه آواشناسی معرفی می‌کند که به واقع می‌توانسته است الگوی اولیه مطالعات جدید آواشناسی باشد.

۴- دانشمندان ایرانی در دوره اسلامی چه کارهای  
مهمی در باب زبان انجام داده بودند؟  
این پرسش بسیار کلی است و بحث دقیق در این باره  
مجال دیگری را می‌طلبد. ولی اجازه بدهید صرفاً به چند  
نکته در این مورد اشاره‌هایی بکنیم.

در قرون نخست دوران اسلامی، هدف از مطالعه زبان، بررسی زبان قرآن کریم، یعنی زبان فصیح عربی بود. گروهی از ایرانیان از جمله سیبویه به ساختمان دستوری این زبان توجه داشتند و گروهی دیگر به فنون و صناعات به کار رفته در کتاب آسمانی پرداختند. شاید بتوان مدعی شد، جامع ترین مطالعه در زمینه نحو زبان عربی از سوی ایرانیان و به ویژه به دست سیبویه صورت پذیرفته است. یکی از مهم ترین مباحث فلسفی - دستوری که در یونان باستان نیز از دوره افلاطون و ارسطو مطرح بود و به ویژه رواقیون و اسکندرریان را به خود مشغول می‌کرد، مسئله طبیعی یا قراردادی بودن زبان بود. این بحث در میان متفکران مسلمان نیز رواج داشت و در دو مکتب بصره و کوفه به بحث‌های پیچیده کلامی مبدل شده بود. پیروان قراردادی بودن زبان بیشتر در مکتب بصره گردآمده بودند و مکتب کوفه محفل طبیعیون به حساب می‌آمد. پیروان هر یک از این دو مکتب با استناد به آیات قرآن سعی بر آن داشتند تا ثابت کنند ماهیت زبان مبتنی بر طبیعت یا قرارداد است.

به هر حال در میان مسلمانان، هدف اصلی مطالعه زبان عربی بود و نقش ایرانیان در این میدان غیرقابل انکار. افرادی چون سیبویه، جرجانی، فارابی، زمخشری، تفتازانی، سیوطی و جزآن در زمینه‌های مختلف نحو، واژه‌شناسی، معنی‌شناسی، تأویل متن و غیره مطالعاتی

دلبروک را می‌توان بنیانگذاران این نحله دانست. سوسور نیز در فضای آرای نودستوریان به تحصیل زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی پرداخت و مقاله «نظام اولیه واکه‌ها در زبان هند و اروپایی» را در چنین محیط تفکری به رشته تحریر درآورد. این مقاله را سوسور در ۲۱ سالگی نوشت و همین مقاله بود که نبوغ او را به اثبات رساند. ولی اگر در تاریخ به گذشته‌های دورتر برویم، باید به مجموعه مطالعات خردگرایان قرن ۱۷ توجه کرد که به پیدایش «دستور فلسفی» انجامید و به ویژه در مدارس پورت رویال صورت می‌پذیرفت. این مؤسسات مذهبی - آموزشی به سال ۱۶۳۷ تأسیس شدند و در سال ۱۶۶۱ در پی نزاع‌های سیاسی و مذهبی به کلی برچیده شدند. دستور زبان پورت رویال چاپ نشده باقی مانده و سرانجام در سال ۱۸۳۰ انتشار یافت. اگر چه این مدارس حدود بیست سال به فعالیت مشغول بودند ولی نفوذ آرای دستورنویسان خردگرا همچنان باقی ماند و ادامه کار آنان در دستورهای برهانی و دستورهای همگانی قرن ۱۹ ادامه یافت. دستوریان پورت رویال سعی داشتند به دستوری همگانی یا جهانی دست یابند و برای این کار نمونه‌های

## مطالعه مطول و مختصر شیخ تفتازانی ما را به این تردید می‌اندازد که شاید معنی شناسی با الگوگیری از آثار وی به شکل امروزی‌اش درآمده است

## مطالعه زبان‌های باستانی نیز هم در زبان‌شناسی نظری مورد بحث و بررسی است و هم در زبان‌شناسی کاربردی. مطالعات کاربردی زبانهای باستانی هنوز در کشور ما پانگرفته است

تحول زبان‌ها در زبان‌شناسی نظری بخشی را به خود اختصاص می‌دهد. مطالعات کاربردی زبان‌های باستانی بحث دیگری است. این شاخه از مطالعات هنوز در کشور ما پانگرفته است. در این دسته از مطالعات، دانشجو با اصل کتیبه‌ها، سکه‌ها، متون تاریخی و غیره سر و کار دارد. جای چنین شاخه‌ای از مطالعات زبان‌شناسی در کشور ما خالی است و از فقدان چنین رشته‌ای بیش از همه سازمان میراث فرهنگی با مشکل مواجه است. در ایران در رشته زبان‌های باستانی ایران حتی می‌توان دکتری گرفت بدون این که از نزدیک به کتیبه‌ای نگاه کرد. متون مورد تدریس نیز همان متونی است که به روی کاغذ آمده‌اند و شسته و رفته در اختیار دانشجو قرار می‌گیرند. به هر حال مطالعه زبان‌های باستانی ایران در حال حاضر جنبه نظری دارد و نه کاربردی.



انجام داده‌اند که هنوز هم در نوع خود کم‌نظیر است. مخارج الحروف ابن‌سینا روشی را در مطالعه آواشناسی معرفی می‌کند که به واقع می‌توانسته است الگوی اولیه مطالعات جدید آواشناسی باشد. مطالعه مطول و مختصر شیخ تفتازانی ما را به این تردید می‌اندازد که شاید معنی شناسی با الگوگیری از آثار وی به شکل امروزی‌اش درآمده است. به هر حال تأثیر آرای ایرانیان غیرقابل انکار است. تصحیح خط عربی نیز تا حد زیادی به دست ایرانیان صورت گرفته و نقطه گذاری حروف را می‌توان از این دست تصحیحات دانست که به همین دلیل به این نقطه گذاری‌ها «اعجام» می‌گویند؛ یعنی کار «عجم»، «اعراب» نیز به همین نسبت کار «عرب» بوده است.

## ۵- چه مناسبتی میان زبان‌شناسی و مطالعه زبان‌های باستانی وجود دارد؟

اجازه دهید مجدداً به تاریخ زبان‌شناسی بازگردیم، یعنی آن دوره‌ای که رشته‌ای به نام زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی مطرح بود؛ از حدود اواخر قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم. در این دوره، پژوهش‌های زبان‌شناختی با مطالعه زبان‌های باستانی بیه و ویژه لاتین، یونانی، سنسکریت و زبان‌های ژرمنی، مقایسه ساختمان دستوری و واژگان این زبان‌ها، سیر تحول آنها به زبان‌های جدیدتر و حتی مطالعه امکان بازسازی زبان مادر این زبان‌ها عجین بود. از اوایل قرن بیستم و با پیدایش دانش زبان‌شناسی، روش طبقه‌بندی این دسته از مطالعات نیز تغییر کرد. مطالعه زبان‌های کهن به شاخه‌ای از زبان‌شناسی مبدل شد و «زبان‌شناسی تاریخی» یا همان «زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی» نام گرفت. به همین ترتیب در معتبرترین گروه‌های آموزشی زبان‌شناسی جهان، رشته زبان‌شناسی ابتدا به دو شاخه زبان‌شناسی نظری و زبان‌شناسی کاربردی تقسیم می‌شوند. کلیه مطالعاتی که به نوعی با کاربرد زبان سر و کار دارند، از قبیل آموزش زبان، برنامه‌ریزی زبانی، ترجمه‌شناسی، روان‌شناسی زبان و غیره، بخش‌های مختلف زبان‌شناسی کاربردی را تشکیل می‌دهند. مطالعات تاریخی یا به عبارت دیگر، مطالعه زبان‌های باستانی نیز هم در زبان‌شناسی نظری مورد بحث و بررسی است و هم در زبان‌شناسی کاربردی. مطالعه ساختمان این دسته از زبان‌ها، سیر تحول و مطالعه قواعد